



ضریح نگین نشان مرقد امام رضا (علیه السلام)

موقوفه‌ای از دوره افشاریه

دریافت: ۱۳۹۷/۸/۱۵ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۱۰

سعیده جلالیان^۱

چکیده

ضریح نگین نشان، یکی از چند ضریح نصب شده بر مرقد مطهر رضوی است که تاریخ ساخت آن به دوره افشاریه می‌رسد. با وجود قدمت طولانی، تاکنون درباره این ضریح، پژوهش مستقل و دقیقی مبتنی بر مستندات علمی به انجام نرسیده است. این پژوهش می‌کوشد با بهره‌گیری از ظرفیت‌های اطلاعاتی موجود و استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، ضمن تشریح ویژگی‌های این ضریح، به ابهام‌ها و پرسش‌های مطرح در زمینه تاریخ ساخت، تاریخ وقف و بانی نصب ضریح مرصع، پاسخ مستدل دهد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد اگرچه روایت منابع تاریخی بر وقف و نصب این ضریح توسط سیدمیرزا محمد (شاه سلیمان ثانی) تأکید دارد؛ بررسی و انطباق این روایات با دیگر منابع و مستندات تاریخی، بر این نظر قوت می‌بخشد که ضریح مرصع در ابتدا برای مقبره نادرشاه ساخته شده اما پس از فوت وی در دوره اول حکومت نوه‌اش، شاهرخ افشار (۱۱۶۱-۱۱۶۳ ق) به حرم رضوی منتقل و توسط وی بر مضع مطهر رضوی وقف و نصب گردیده است.

کلیدواژه‌ها: ضریح نگین نشان، مرقد رضوی، حرم امام رضا (علیه السلام)، دوره افشاریه، موقوفات.

۱. کارشناس ارشد تاریخ: jalalian2015@gmail.com

مقدمه

ضریح نمادی مذهبی - هنری است که قرن‌های متمادی بر مزارات و مقابر بزرگان دین و معاریف، خودنمایی کرده است. دلایل و انگیزه‌های مختلفی برای ساخت آن بوده و هست، اما تکریم و پاسداشت مقام شخص به خاک سپرده شده، رعایت شأن و جایگاه وی و ایجاد فضای مطلوب‌تر برای زیارت، از دلایل مهم ساخت و نصب این سازه بوده است. تاکنون انواع مختلف ضریح ساخته و نصب شده است. از آن جمله می‌توان به ضریح‌های ساده، ضریح‌های فولادی، ضریح‌های نقره‌ای، ضریح‌های نگین‌نشان و ضریح‌های طلا و نقره اشاره کرد. در طول زمان، در مرقد مطهر امام رضا (علیه السلام) نیز شش ضریح نصب گردیده که یکی از آن‌ها، ضریح مرصع یا نگین‌نشان است. از نظر تاریخ نصب، پیش از این سازه، سه ضریح دیگر شامل، ضریح شاه اسماعیل اول صفوی، ضریح شاه‌تھماسب و ضریح فولادی ساخته شده در دوره شاه سلطان حسین صفوی، نصب بوده است. این سازه، چهارمین ضریح منصوب بر مدفن امام رضا (علیه السلام) به‌شمار می‌آید.

ضریح‌ها کانون توجه هر زائر در هنگام حضور در مزارات متبرکه هستند. افزون بر صبغه مذهبی و جایگاه دینی، این سازه‌ها از جمله آثار تاریخی به‌شمار می‌آیند که باید درباره آن پژوهش‌های دقیق مبتنی بر مستندات تاریخی انجام شود زیرا در پسِ نصب هر ضریح، انگیزه‌های مختلف و گاه اتفاق‌های تاریخی وجود دارد که باید جداگانه به آن پرداخته شود. افزون بر جنبه‌های تاریخی، هر ضریح دارای ویژگی‌هایی است که در شناخت هنرهای دوره ساختش، بسیار مؤثر است. از این‌رو، پرداختن به شکل، طرح، ابعاد، جنس، کتیبه و ویژگی‌های خاص هنری که شناخت کاملی از ابعاد هنری این سازه‌ها را بیان می‌کند، از اهمیت برخوردار بوده و باید مورد توجه قرار گیرد.

عوامل مختلفی سبب ناشناخته ماندن ضریح نگین‌نشان شده است. نخست اینکه ضریح مذکور، همواره در درون ضریح دیگری قرار داشته و کمتر در معرض مشاهده

مستقیم بوده است. در محدود مواردی هم که این سازه نمایان شده، نوعاً در زمان انجام تعمیرات ضروری داخل روضه منوره و یا نصب ضریح و صندوقی^۱ جدید بر مرقد امام رضا (علیه السلام) بوده است که در این اوقات نیز یا فرصت چندانی در اختیار نبوده یا به‌علت عدم توجه لازم، کارشناس و متخصصی حضور نداشته که سازه را از نزدیک بررسی و یا حداقل اقدام به تهیه عکس‌های فتی و مناسب از آن کند. از سوی دیگر، بالابودن ارزش ریالی و نصب سنگ‌های قیمتی به روی این ضریح، مانعی مهم برای انجام پژوهش‌های دقیق به‌روی آن بوده است زیرا در همه‌حال، متولیان امر بیش از هر چیز بر صیانت و محافظت آن تأکید داشته‌اند. بنابراین، مجموع عوامل فوق سبب گردیده به ضریح نگین‌نشان کمتر توجه شود و برای پاسخ به پرسش‌های وارد بر آن از حیث تاریخ نصب، بانی ساخت، واقف و ویژگی‌های ظاهری، پژوهش دقیق و مؤثری انجام نپذیرد.

هدف پژوهش

هدف عمده این پژوهش آن است که با بهره‌گیری از منابع تاریخی و مستندات آرشیوی، حتی‌الامکان پیشینه دقیق و کاملی از ضریح نگین‌نشان در ابعاد تاریخی و ویژگی‌های ظاهری و هنری، ارائه کند.

پرسش‌های پژوهش

مهم‌ترین پرسش‌های مطرح درباره ضریح نگین‌نشان، به شرح زیر است:

- ویژگی‌های ظاهری و هنرهای به‌کار رفته در این ضریح کدام است و دلایل به‌کارگیری سنگ‌های قیمتی در آن، چه بوده است؟

۱. صندوق: یخدان فلزی یا چوبین به فلز پوشیده، تابوت، مکعبی چوبین یا خاتم که بر روی قبر امام یا امامزاده یا بعضی بزرگان گذارند و گرداگرد آن آیات و یا اشعار نویسند. رک: لغت نامه هخدا، ذیل واژه صندوق.

- قدمت ساخت ضریح نگین نشان به چه زمانی باز می‌گردد و بانی ساخت آن چه کسی است؟

- واقف و نصب‌کننده ضریح نگین نشان، چه کسی است؟

- مدت‌زمان نصب این ضریح بر مرقد مطهر امام رضا (علیه السلام) چقدر بوده و دلایل انتقال آن به بخش زیرین حرم چه بوده است؟

پیشینه پژوهش

بررسی‌ها نشان می‌دهد ضریح نگین نشان تاکنون به‌طور مستقل مطالعه و بررسی نشده است. تنها در سه مقاله تاحدودی به این موضوع اشاره شده است. مهران (۱۳۳۹) در مقاله‌ای با عنوان «ضریح جدید»، ضمن تشریح ویژگی‌های ضریح شیر و شکر (ضریح نصب‌شده در دوره پهلوی دوم در سال ۱۳۳۸) و مراحل نصب آن، به توصیف ویژگی‌های ضریح نگین نشان نیز پرداخته است. در این نوشتار که فاقد تحلیل خاصی است، صرفاً ویژگی‌های ظاهری این سازه توصیف شده است. قصابیان (۱۳۸۰) هم در مقاله‌ای با عنوان «ضریح مطهر امام رضا (علیه السلام) و پیشینه آن» به بررسی ضریح‌های مختلف مرقد امام رضا (علیه السلام) از جمله ضریح نگین نشان پرداخته و در این مورد سه احتمال را مطرح کرده است.^۱ نقدی (۱۳۹۲) نیز در مقاله‌ای با عنوان «بررسی صندوق‌ها و ضریح‌های قدیمی رضوی» به معرفی و توصیف ضریح نگین نشان پرداخته و ضمن بیان ویژگی‌های ضریح مرصع، معتقد است ضریح نگین نشان با صلاح‌دید سیدمیرزا محمد (شاه‌سلیمان ثانی) در سال ۱۱۶۳ ق بر مرقد امام رضا (علیه السلام) وقف و نصب شده است؛ اما با توجه به کتیبه منصوب بر ضریح که با این تاریخ در تضاد است، احتمال داده شاهرخ افشار در زمان قدرت‌گیری‌اش، اقدام به تغییر متن کتیبه ضریح یا نصب مجدد

۱. احتمال اول اینکه ضریح مذکور در سال ۱۱۶۰ ق توسط شاهرخ وقف، اما در ۱۱۶۳ ق نصب شده است. احتمال دوم، نصب ضریح در سال ۱۱۶۳ ق بوده، اما در دوران دوم سلطنت شاهرخ نصب شده است. احتمال سوم، ضریح در سال ۱۱۶۰ ق و تحت همان شرایط سیاسی و اجتماعی نصب شده که بر این اساس، تاریخ‌های بعدی جای تأمل دارد. رک: قصابیان، ۱۳۸۰: ۱۰۳-۱۳۵.

آن کرده است. اما آنچه این نوشتار را از پژوهش‌های پیشین آن متمایز می‌کند، پرداختن همه‌جانبه به یکی از ضریح‌های کهن مرقد امام رضا (علیه السلام) و بررسی و تحلیل ابعاد گوناگون آن اعم از ویژگی‌های ظاهری، ویژگی‌های هنری و پیشینه تاریخی است که با بهره‌گیری از منابع مختلف تحقیق اعم از مکتوب، تصویری و در رأس آن منابع آرشیوی انجام گرفته و برای اولین بار در این پژوهش به آن‌ها استناد شده است.

روش پژوهش

در پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و تکیه بر منابع تاریخی کتابخانه‌ای و اسناد و منابع آرشیوی مکتوب و تصویری، تلاش شده استدلال‌ها و تحلیل‌های جدیدی در پاسخ به پرسش‌های مطرح درباره این ضریح ارائه گردد. بیان پیشینه مختصر از ضریح‌های قبل، ویژگی‌های ظاهری ضریح مرصع (اعم از جنس، نوع سنگ‌ها و قبه‌های چهارگوشه)، انواع هنرهای به‌کار رفته، تاریخ وقف، شناخت واقف و مدت‌زمان نصب ضریح مذکور، بخش‌های اصلی این مقاله را تشکیل می‌دهد.

۱. پیشینه ضریح‌های مرقد امام رضا (علیه السلام)، پیش از نصب ضریح نگین نشان

قبل از نصب ضریح نگین نشان، چند ضریح چوبی و فلزی در اشکال و انواع ساده و مجلل بر مدفن امام رضا (علیه السلام) نصب گردیده که از برخی، آثار و بقایایی برجای مانده و از بعضی دیگر، جز اشاره‌هایی کوتاه در برخی منابع مبنی بر موجودیت آن‌ها در دوره‌ای خاص، نشانه‌ای در دست نیست. در ادامه برای آشنایی به اختصار، توضیحاتی درباره هر یک از این ضریح‌ها ارائه می‌شود:

- ضریح شاه‌اسماعیل اول صفوی: اسناد و مکاتبات ردوبدل شده میان شاه‌اسماعیل اول

صفوی و شیبک‌خان^۱ نشان می‌دهد که شاه‌اسماعیل اول در زمان حکومتش، اقدام به ساخت ضریحی به وزن ۷۰ مَن کرده که با انواع جواهرات تزئین شده بود (نویی، ۱۳۴۷: ۷۳). در حال حاضر، از این ضریح اثری در دست نیست.

- ضریح یا محجر^۲ طلای شاه‌تهماسب اول صفوی: وجود کتیبه‌ای که تاریخ ۹۵۷ق در آن حک شده و در آن به نصب محجر طلایی، توسط شاه‌تهماسب صفوی اشاره شده، نشان می‌دهد که در نیمهٔ دوم قرن دهم هجری، ضریح دیگری بر مرقد امام رضا (علیه‌السلام) نصب گردیده است (جلالی، ۱۳۸۹: ۱۱۲-۱۱۴). جنس ضریح از فولاد بوده (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۲، ج ۲: ۴۱۳) و پایه‌ها و اسکلت آن از چوب و اجزای تشکیل‌دهندهٔ شبکه‌های آن، از میله‌های آهنی بوده که روی قسمتی از آن‌ها را با ورقه‌هایی از نقره پوشانده بودند (مؤتمن، ۱۳۵۵: ۶۱) در حال حاضر از این ضریح، چند کتیبهٔ طلایی و مشبک باقی مانده که طبق شواهد، بر پیشانی این ضریح، نصب بوده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲، ج ۲: ۴۱۳-۴۱۴). ضریح شاه‌تهماسب تا سال ۱۳۱۱ش، بر مرقد امام (علیه‌السلام) نصب بود؛ اما در این سال، به‌علت فرسودگی، همراه با صندوق شاه‌عباسی، از جایش برداشته می‌شود (مؤتمن، ۱۳۵۵: ۵۹-۶۳).

- ضریح فولادی دورهٔ شاه سلطان حسین صفوی: نداشتن کتیبهٔ بانی یا واقف و نیز ذکر نشدن تاریخ ساخت در این ضریح، دست‌به‌دست هم داده و سبب شده قدمت آن تاکنون نامعلوم و مغشوش بماند. در این میان، از سال‌های ۱۱۱۱ - ۱۱۱۵ق، هم‌زمان با دورهٔ شاه سلطان حسین صفوی (حک ۱۱۰۵ - ۱۱۳۵ق)، تعدادی سند در دست است که در آن‌ها به‌صراحت به ساخت ضریح در این زمان اشاره شده است (سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند ش ۳۳۲۸۷، ۲ و ۲۷-۲۸؛ سند ش ۳۳۳۵۹، ۴-۵ و ۸؛ سند ش ۳۴۳۴۷، ۹). ضریح فولادی، دارای چهار متر و ۳۸ سانتی‌متر طول، دو متر و ۹۲ سانتی‌متر عرض و ۲ متر ارتفاع است

۱. شیبک‌خان اوزبک پسر بوداق‌خان، پسر ابوالخیر خان از اعیان جوچی، پسر چنگیز است. وی که در تاریخ به اسامی محمد شیبانی و محمد شاه بخت خان شهرت دارد. در سال ۹۱۶ق به دست شاه اسماعیل به قتل رسید. رک: نویی، ۱۳۴۷: ۷۴ - ۷۸.

۲. محجر: نرده‌ای که در پیش در اتاق و یا در جلو صفا و ایوان سازند. رک: لغت نامهٔ دهخدا، ذیل واژهٔ محجر.

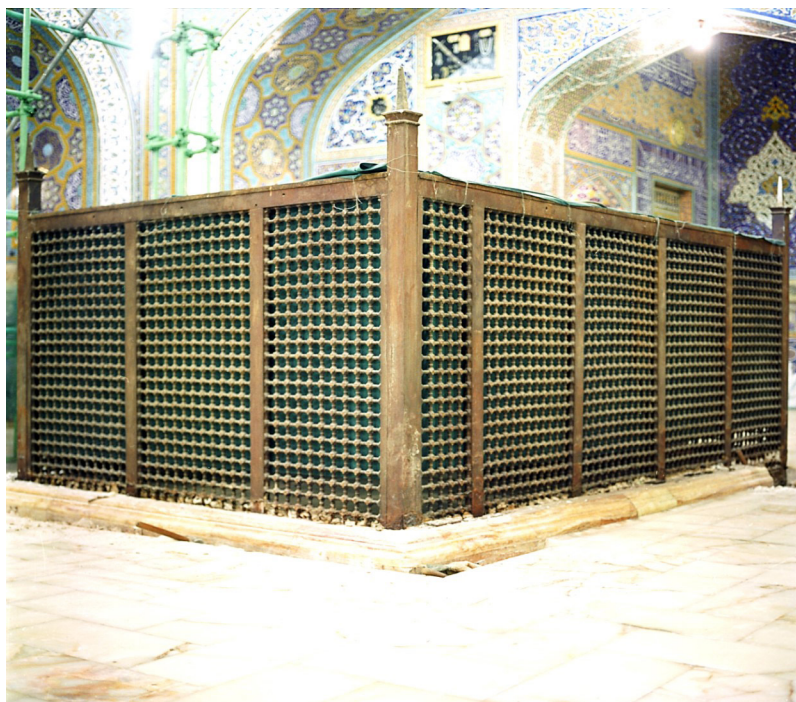
(نقدی، ۱۳۹۲: ۹-۱۶) و مجموعاً در طول، دارای پنج پنجره و در عرض، دارای سه پنجره است (مؤتمن، ۱۳۵۵: ۶۸). این ضریح دارای درِ مَرَصَعِ جواهرنشانی بوده که فتحعلیشاه قاجار آن را اهدا کرده بود (ملاهاشم خراسانی، ۱۳۸۲ق: ۶۲۷). ضریح فولادی تا سال ۱۳۳۸ش بر مرقد امام نصب بود تا اینکه در این سال و هم‌زمان با نصب ضریح دیگری معروف به «شیر و شکر»، کاملاً از جایش برداشته و به خزانه منتقل می‌شود (مؤتمن، ۱۳۵۵: ۶۱).

۲. ویژگی‌های ظاهری ضریح نگین‌نشان

ضریح مرصع، ضریحی است با ویژگی‌های خاص و منحصر به فرد که در کمتر ضریحی مشاهده می‌شود. قدمت طولانی، شکل و نوع تزئینات به کار رفته و کاربرد جواهرات و سنگ‌های قیمتی در روی بدنه و قبه‌های مرصعش، سبب می‌شود این سازه، هم دارای اهمیت تاریخی و هم برخوردار از ارزش هنری و ریالی بسیار بالایی باشد. در ادامه به ترتیب در خصوص جنس بدنه ضریح (اسکلت ضریح)، سنگ‌های قیمتی نصب‌شده در روی گوی‌های آن، قبه‌های مرصع منصوب در چهار گوشه و کتیبه ضریح، توضیحاتی داده می‌شود.

- جنس: ضریح نگین‌نشان، از فولاد (بهبهانی، ۱۳۷۰: ۲۲۲؛ فیض قمی، ۱۳۲۴: ۳۰۳؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲، ج ۲: ۴۱۳) و دارای جداره‌های مشبک است. جداره مشبک آن، گوی‌مانند و روی آن مسطح و بدون برآمدگی است و در روی هر گوی آن چهار دانه یاقوت و یک زمرد به کار رفته است (فیض قمی، ۱۳۲۴: ۳۰۳). در طول از چهار دهانه‌ونیم و در عرض از سه دهانه‌ونیم، شبکه فولادی برخوردار است^۱ (مهران، ۱۳۳۹: ۳-۱۹) (تصویر ۱)

۱. بر خلاف نظر مهران، بررسی تصاویر موجود نشان می‌دهد این ضریح در عرض از سه دهانه، برخوردار است.



تصویر ۱. ضریح مرصع یا نگین‌نشان

(دریافتی از مؤسسه آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی)

- سنگ‌های قیمتی روی بدنه ضریح: اعتمادالسلطنه می‌نویسد در روی هر گوی این ضریح چهار دانه یاقوت و یک دانه زمرد نصب است و دانه‌ها در ورق طلای ضخیمی نصب شده‌اند، مثل نگین‌دان انگشتر و آن‌ها را روی فولاد ضریح نصب کرده‌اند؛ به طوری که از دور، طلا نمایان است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲، ج ۲: ۴۱۳). عباس فیض درباره تعداد این سنگ‌ها نوشته است: در این ضریح بیش از ۲۰۰۰ گوی وجود دارد. چنانچه در هر گوی چهار دانه یاقوت و یک دانه زمرد نصب باشد، بیش از ۸۰۰۰ یاقوت و ۲۰۰۰ زمرد در آن کار شده است. (فیض قمی، ۱۳۲۴: ۳۰۳). اما محمد مهران که در زمان نصب ضریح شیر و شکر در سال ۱۳۳۸ ش حضور داشته، نوشته است که حدود ۳۲۶۰ قبه یا گوی در ضریح نگین‌نشان وجود دارد و بر هر یک، نگین‌های یاقوت و زمرد نصب است و به نظر می‌رسد

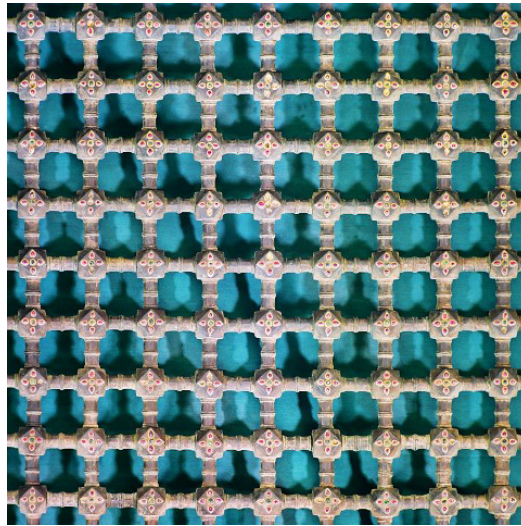
حدود ۱۳ هزار یاقوت و ۳۲۰۰ زمرد بر آن نصب شده که به مرور زمان، قسمتی از نگین‌ها ریخته و از بین رفته است. او تأکید می‌کند تعداد نگین‌های این ضریح شمرده نشده و این موضوع در گزارش سال ۱۳۱۱ ش محمدولی اسدی نیز آمده است. (مهران، ۱۳۳۹: ۳-۱۹).

در این میان، برخی معتقدند این نگین‌ها از اصل نگین‌های مهمی نبوده و از اصل، سنگ بدل بوده است (مؤتمن، ۱۳۵۵: ۶۱). به نظر می‌رسد این ادعا صحیح نباشد، زیرا بعید است در ساخت ضریحی که متعلق به مقبره نادر بوده، سنگ‌های بدل کار شده باشد.^۱ البته، این احتمال وجود دارد که سنگ‌ها از نوع بسیار مرغوب نبوده‌اند یا به مرور زمان که برخی از آن‌ها ریخته، در جایگزین کردن و مرمت از سنگ‌های بدل استفاده کرده باشند؛ اما اینکه از ابتدا، تمامی سنگ‌ها را بدل کار کرده باشند، دور از ذهن است. جدا شدن و افتادن نگین‌ها نیز اتفاقی بوده که از همان دوره قاجار پیش می‌آمده است. در سندی از سال ۱۲۳۸ ق، به جدا شدن دو قطعه یاقوت از این ضریح اشاره شده است (سند ش ۲۸۹۶۱، ۱۴۰) (تصویر ۲)

با وجود اینکه در طول زمان، دیگر ضریح‌های حرم رضوی مورد دستبرد و چپاول فرصت‌طلبان قرار گرفته است، منابع از دست‌درازی و چپاول جواهرات این ضریح گزارشی ارائه نکرده‌اند و این به آن معناست که ضریح مرصع از این طریق، صدمه و آسیبی ندیده است.

۱. درباره تعلق این ضریح به مقبره نادر در بخش‌های بعدی این مقاله، مفصل بحث خواهد شد.

۲. مؤتمن نیز به از میان رفتن بخشی از نگین‌ها تأکید دارد. ر.ک: مؤتمن، ۱۳۵۵: ۶۱.



تصویر ۲. شبکه های ضریح نگین نشان
(دریافتی از موسسه آفرینش های هنری آستان قدس رضوی)

- قبه های چهارگوشه ضریح: کتیبه بالای در ضریح نشان می دهد قبه هایی مرصعی در چهارگوشه ضریح نصب بوده است. افزون بر این، در سندی از سال ۱۱۶۲ ق به صورت مشروح به بیان ویژگی ها، اجزا و نحوه نصب این قبه ها پرداخته شده و آمده است: «از قرار قبض به تاریخ شهر ربیع الثانی سنه ۱۱۶۲ ق آنکه الواصل به تحویل سیادت و نجابت پناه میرمحمد جعفر تحویلدار سرکار فیض آثار به اطلاع خلاصه السادات العظام میرزا محمد ابراهیم متولی از بابت تحویلات عالیجاه مقرب الخاقان علیقلی خان جواهر که حسب الامر الاقدس مقرر گردیده بود که ساخته شود بنحو مقرر به اتمام رسید و تحویل تحویلدار سرکار مذکور شد...». طبق این سند، کعب^۱، صراحی^۲، پایه طلا و چهار قبه ضریح، در مجموع ۳۲ قطعه بوده و طلای به کار رفته در آن معادل ۱۲۱۸ مثقال وزن داشته است.

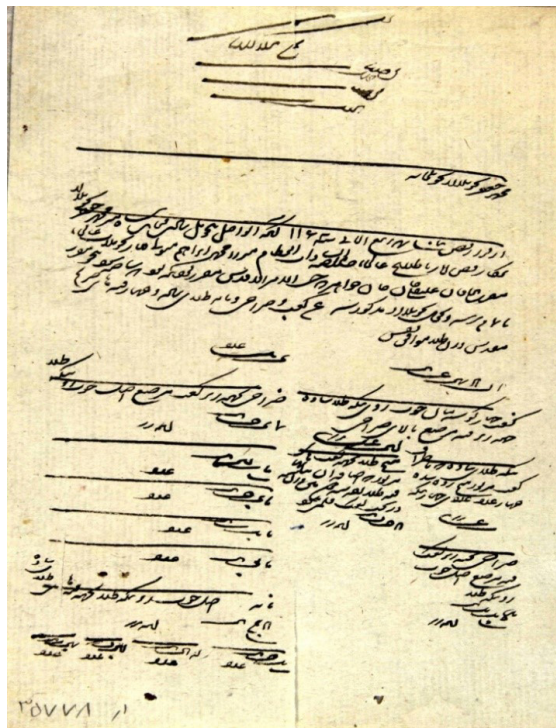
۱. کعب: هر جسمی که دارای شش سطح باشد. آن قسمت در کاسه و امثال آن که اگر بر روی زمین گذارند، روی زمین قرار می گیرد. رک: لغتنامه دهخدا، ذیل واژه کعب.

۲. صراحی: قسمی از ظروف شیشه یا بلور با شکمی نه بزرگ و نه کوچک و گلوگاهی تنگ و دراز که در آن شراب یا مسکری دیگر ریزند و در مجلسی آورند و از آن در پیاله و جام و قند ریزند. رک: لغتنامه دهخدا، ذیل واژه صراحی.

- کعب برای زیر قبه مرّصع و بالای ضراحی به کار می‌رفته، داخلش از چوب و رویه‌اش از طلا بوده و از ۲۴ قطعه تشکیل می‌شده است.

- ضراحی برای زیر کعب به کار می‌رفته، اصل آن از چوب و رویه‌اش از طلا بوده، چهار قطعه و وزنی معادل ۶۵۲ مثقال داشته است.

- پایه جهت قبه‌های طلا به کار می‌رفته که آن نیز اصلش از چوب و رویه‌اش از طلا بوده است. از چهار قطعه تشکیل می‌شده و ۲۸۰ مثقال وزن داشته است (سندش ۳۵۷۷۸، ۱) (تصویر ۳).



تصویر ۳. ساخت قبه‌هایی برای چهار گوشه ضریح نگین نشان در سال ۱۱۶۲ ق (دریافتی از مدیریت اسناد و مطبوعات، سند شماره ۳۵۷۷۸)

مهران در مقاله‌اش می‌نویسد: گزارش محمدولی اسدی در سال ۱۳۱۱ش از وجود قبه‌های چهارگوشه ضریح خبری نمی‌دهد، بنابراین معلوم نیست قبه‌ها چه شده است (مهران، ۱۳۳۹: ۳-۱۹).^۱ اما در بررسی‌ای که اخیراً انجام شده، خبری از این چهار قبه طلا در دوره قاجار به‌دست آمده است. نامه‌ای از سیدجواد ظهیرالاسلام، متولی آستان قدس به خازن‌التولیه و تحویلدار آستانه در سال ۱۳۳۵ق، مبنی بر اینکه چهار قبه مذکور که در خزانه بی‌مصرف مانده برای نصب در سرستون در بست بالاخیابان (خیابان شیرازی کنونی)، تحویل میرزا علی نقی، ناظم تعمیرات شود (سندش ۱۰۵۰۰، ۱) که از انجام یا عدم اقدام در این زمینه، اطلاعی در دست نیست.

- کتیبه ضریح مرصع: در بالای در ورودی دو لت این ضریح دو سطر به خط نستعلیق چهار دانگ به‌صورت طلاکوب به‌شرح زیر نوشته شده است: «نیازمند رحمت ایزد مستعان و تراب اقدام زوار این آستان ملائک پاسبان سلطان نادر شاهرخ شاه الحسینی الموسوی الصفوی بهادرخان به وقف و نصب این ضریح و قبه‌های مرصع چهارگوشه ضریح مقدس مبارک موفق گردید سنه ۱۱۶۰» (احتشام کویانیان، ۱۳۵۵: ۴۰؛ مؤتمن، ۱۳۵۵: ۶۱؛ ملاهاشم خراسانی، ۱۳۸۲ق: ۶۲۶). در این کتیبه، در طرف راست و بالای سطور عبارت «یا قاضی الحاجات» و در زیر آن عبارت «یا مفتاح الابواب» نوشته شده است. همچنین در طرف چپ در قسمت بالای آن واژه «کتبه»^۲ و در همان سمت در قسمت پایین، نام «محمد رضایی» نقش بسته است (مهران ۱۳۳۹: ۳-۱۹). (تصویر ۴).

۱. مؤتمن نیز در کتابش می‌نویسد، چهارقبه مرصع فعلاً وجود ندارد و معلوم نیست که در چه دوره‌ای از میان رفته است. ر.ک: مؤتمن، ۱۳۵۵: ۶۱.

۲. محقق مهران این واژه را کتیبه نوشته است. در مراجعه به تصویر موجود از این کتیبه، مشخص گردید که واژه صحیح، کتبه است.



تصویر ۴. نمایی از در ورودی دو لُت ضریح نگین نشان و کتیبه منصوب بر بالای آن (دریافتی از مؤسسه آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی)

-تناقض‌ها و ابهام‌های موجود در متن کتیبه ضریح: تعمق در مضمون کتیبه ضریح نگین نشان، حاوی نکات مهمی است. مطلب اول آنکه در این کتیبه پس از ذکر نام نادر و شاهرخ در انتهای جمله، از فعل مفرد «گردید» استفاده شده و بین این دو از حرف ربط «واو» استفاده نشده است؛ در حالی که برای نام دو نفر باید از حرف ربط واو و فعل جمع استفاده می‌شد. اعتمادالسلطنه که اول بار متن کتیبه را آورده، این تناقض را متوجه شده است. بنابراین، جهت فهم راحت‌تر متن کتیبه و حل مشکل در کتابش، واژه سبط را داخل پرانتز به کار برده است.^۱

سال ۱۱۶۰ ق و عبارت «سلطان نادر» در متن کتیبه، این گمان را ایجاد می‌کند که

۱. «نیازمند رحمت ایزد مستعان و تراب اقدام زوار این آستان ملایک پاسبان (سبط) سلطان نادر شاهرخ شاه الحسینی...» ر.ک: اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲، ج ۲: ۴۱۳.

نادرشاه افشار، واقف ضریح و قبه‌های چهارگوشه آن است؛ اما نگارش نام شاهرخ شاه الحسینی الصفوی در کنار نام او، پذیرش این موضوع را با تردید مواجه کرده و این پرسش را ایجاد می‌کند که چرا با وجود شخصی چون نادر، نام نوه‌اش در این کتیبه، مطرح شده است؛ به‌خصوص که فعل به‌کار رفته در کتیبه نیز مفرد است. اگر حدس دیگری داشته باشیم و بگوییم سلطان نادر در معنی «پادشاه کم‌نظیر» بوده که به‌عنوان لقبی برای شاهرخ به‌کار رفته و منظور شخص نادرشاه افشار نبوده است؛ تاریخ کتیبه که سال ۱۱۶۰ ق را نشان می‌دهد؛ پذیرش این حدس را با مشکل مواجه می‌کند زیرا در سال ۱۱۶۰ ق شاهرخ نوجوانی ۱۴ ساله بوده که در زندان عادل‌شاه به‌سر می‌برده و اساساً امکان، فرصت و قدرت لازم برای ساخت و نصب ضریحی چنین پر تجمل را برای مرقد امام رضا (علیه‌السلام) نداشته است.

شوربختانه کتیبه ضریح نگین‌نشان به‌جای آنکه مانند بسیاری از کتیبه‌های منصوب بر اشیای تاریخی، یک منبع مستند و راهگشا در شناخت تاریخ ساخت و سازنده شیء باشد، ایجادکننده پرسش‌ها و ابهام‌های بسیاری است. بنابراین، باید برای درک واقعیت مسئله از دیگر منابع بهره گرفت.

- ناهمخوانی متن کتیبه با اطلاعات سند ۳۵۷۷۸: فحوای سند ۳۵۷۷۸ به‌صراحت به این موضوع اشاره دارد که کار ساخت قبه‌های چهارگوشه ضریح در سال ۱۱۶۲ ق به اتمام رسیده و در این تاریخ، قبه‌ها به تحویلدار آستان قدس تحویل شده است. این مطلب با تاریخ مندرج در روی کتیبه ضریح که وقف و نصب قبه‌ها را مربوط به سال ۱۱۶۰ ق می‌داند، در تناقض است. از آنجاکه برای پژوهشگران، هم کتیبه موجود در روی ضریح و هم سند باقی‌مانده از سال ۱۱۶۲ ق به یک اندازه مهم است، باید دید چرا این اختلاف زمانی و محتوایی وجود دارد که در ادامه مقاله، سعی می‌شود به این پرسش، پاسخ مستدل داده شود.

۳. هنرهای به کار رفته در ساخت ضریح نگین نشان

ضریح مجموعه‌ای است متجانس از شاخه‌های مختلف هنری که با یکدیگر ترکیبی موزون و هماهنگ یافته‌اند (دانش، ۱۳۶۸: ۳۳۴). در ساخت ضریح نگین نشان، با آنکه هنرهای گوناگونی همچون زرگری، ترصیع کاری، خطاطی و قلم‌زنی به کار رفته است؛ به‌علت نبود امکان دسترسی و مشاهده مستقیم سازه، امکان توصیف و تشریح دقیق آن فراهم نیست. بنابراین، تنها با استفاده از توصیف‌های مختصر برخی منابع و اندک تصاویر موجود، می‌توان درباره شیوه‌های هنری به‌کاررفته در آن، توضیحاتی ارائه کرد:

- زرگری: در ضریح‌سازی کار با طلا و شکل‌دادن به آن به هنرمند زرگر مربوط می‌شود؛ چون وی کارهای عمده ساخت همچون ساخت قاب‌های گوی و ماسوره را برعهده دارد و در کار نصب نیز جورکننده قطعات به یکدیگر است (دانش، ۱۳۶۸: ۳۳۴). نگاهی به عکس‌های موجود از ضریح مرصع نشان می‌دهد هنرمند زرگر در ساخت گوی‌ها با ایجاد سطحی بدون برآمدگی و مربع‌شکل و قراردادن ورقه ضحیمی از طلا به روی آن و نیز طراحی اشکالی برگ‌مانند در اضلاع و بخشی دایره‌ای در وسط مربع، میدان را برای اجرای هنر ترصیع کاری در روی گوی‌های این ضریح، فراهم آورده است.

- ترصیع و مرصع کاری: ترصیع به‌معنای نشان‌دن جواهر و قراردادن شیئی در شیئی دیگر از دو جنس متفاوت است. این شاخه از هنر که در پیکره ضریح‌های قدیمی بیشتر خودنمایی می‌کند، در ضریح نگین نشان رضوی به‌خوبی قابل مشاهده است. به‌نظر می‌رسد سبک کار در مرصع کاری این ضریح این‌گونه بوده است که فلز پایه کار که از طلا بوده توسط ابزارهای خاصی گود شده، سپس به کمک قلم‌های مخصوص و به‌سبک انگشترسازان، نگین در آن قرارداده شده است (همان، ۱۳۶۸: ۳۰۱).

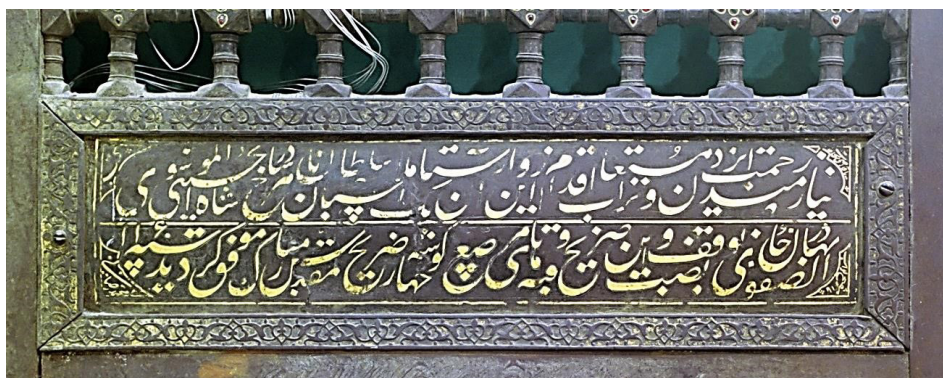
(تصویر ۵)



تصویر ۵. نمایی از جواهرات و سنگ‌های قیمتی منصوب بر شبکه‌های ضریح نگین‌نشان (دریافتی از مؤسسه آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی)

- **خطاطی:** وجود کتیبه در ضریح‌ها این ضرورت را ایجاد می‌کند تا هنرمندان خطاط، خطوطی را به‌سبک کتیبه‌نویسی طراحی کنند و در اختیار استادان قلم‌زن قرار دهند. تنها کتیبه موجود بر روی ضریح نگین‌نشان، کتیبه‌ای است که با توجه به ابعاد در دو لایه ورودی ضریح در دو سطر، بالای در به خط نستعلیق چهاردانگ، توسط فردی به‌نام محمد رضایی نوشته شده است.

- **قلم‌زنی:** یک کتیبه پس از نگارش، برای رفتن به مرحله قلم‌زنی، یا به روی شیء واسطه یا به‌طور مستقیم به روی فلز با قلم حک می‌شود. هنر قلم‌زنی در ضریح‌سازی به سه شیوه برجسته‌کاری، نیمه‌برجسته‌کاری و مشبک‌کاری انجام می‌شود. روش نیمه‌برجسته‌کاری در کتیبه‌های ضریح و نقوش ساده قاب‌ها و زهوارها، به کار می‌رود (دانش، ۱۳۶۸: ۳۳۵-۳۳۸). به‌نظر می‌رسد در کتیبه ضریح نگین‌نشان نیز از روش نیمه‌برجسته‌کاری استفاده شده است که در انجامش نیازی به برجسته‌کردن کار از پشت، وجود ندارد. (تصویر ۶)



تصویر ۶. کتیبه وقف و نصب ضریح نگین نشان و قبه های چهارگوشه آن، مربوط به سال ۱۱۶۰ ق (دریافتی از مؤسسه آفرینش های هنری آستان قدس رضوی)

۴. تاریخ نصب و واقف ضریح نگین نشان

اختلاف نظر بین منابع تاریخی در بیان تاریخ وقف و واقف ضریح، تشخیص قدمت ضریح نگین نشان را با مشکل مواجه کرده است. بر این اساس، لازم است ضمن بررسی اخبار و اقوال موجود، اتفاق های این محدوده زمانی (۱۱۶۰ تا ۱۱۶۳ ق) و بخشی از زندگی کسانی که در این مقوله به عنوان عوامل دخیل مطرح هستند، بررسی شود. در ابتدا، روایت دو منبع تاریخی دوره افشاریه نقل می گردد:

- روایت دو منبع تاریخی دوره افشاریه از تاریخ وقف و واقف ضریح نگین نشان: دو کتاب «زبور آل داود» و «مجمع التواریخ» آثاری متعلق به قرن ۱۲ هجری هستند که به ترتیب توسط سلطان هاشم میرزا مرعشی و میرزا محمد خلیل مرعشی صفوی، به رشته تحریر درآمده اند. در کتاب «زبور آل داود» آمده است: ضریح مگلی که نادر به جهت قبر خود ترتیب داده بود، در زمان سلطنت علی شاه^۱ به صلاحدید و اظهار و خواهش سیدمیرزا محمد، وقف مرقد مطهر و منور آن حضرت شد؛ اما نصب نشد تا آنکه در روز پنجم صفر ۱۱۶۳ ق، وقف و به نصب آن امر شد.

۱. تاریخ فوت علی شاه ۱۱۶۱ ق است رک: استرآبادی، ۱۳۶۰: ۴۳۱.

سلطان هاشم‌میرزا دربارهٔ چگونگی نصب آن می‌نویسد: «در دم استادان چابک‌دست حاضر شدند. ضریح نادری را قدری کوچک نموده در جوف^۱ ضریح اول قدیم که آهن جوهردار است جا داده ضریح طلای نواب علیین آشنایان شاه طهماسب اول در جوف ضریح نادری واقع شد و امر شد که تا سه روز اهل شهر و لشکری به سور موفور و حبور نام‌حضور مشغول باشند...» (مرعشی، ۱۳۷۹: ۱۱۴). همین موضوع در کتاب «مجمع‌التواریخ» نیز بیان شده و میرزا خلیل مرعشی، نوادهٔ شاه سلیمان ثانی، آورده است: «... ضریح مکمل به جواهر که نادرشاه به جهت مقبرهٔ خود ترتیب داده بود و زیاده از سی هزار تومان ارزش داشت و فی‌الواقع نزد عقلا نصب او در آن روضهٔ مقدسه مناسب می‌نمود، همان روز نیاز درگاه ملائک‌سپاه حضرت امام الانس و الجن نمودند...» (مرعشی صفوی، ۱۳۲۸: ۱۱۹). طبق این روایت‌ها باید تاریخ نصب ضریح را ۱۶۳۱ ق و واقف را سیدمیرزا محمد دانست؛ اما همان‌گونه که اشاره شد، متن کتیبهٔ منصوب در روی ضریح، تاریخ ۱۱۶۰ ق را نشان می‌دهد که حکایت از ساخت و نصب ضریح در سه‌سال قبل دارد.

عوامل مطرح در وقف و نصب ضریح نگین‌نشان: در راستای رمزگشایی از تاریخ نصب و واقف ضریح مرصع، باید بُرشی از زندگی کسانی که در این امر به‌عنوان افراد دخیل و مؤثر معرفی شده‌اند، روایت شود. این افراد به‌ترتیب عبارتند از: نادرشاه افشار، شاهرخ افشار و سیدمیرزا محمد (شاه‌سلیمان ثانی).

- نادرشاه افشار: نادرشاه در سال ۱۱۵۳ ق وارد مشهد شده و بخشی از غنایم را که با خود از هند آورده بود، صرف حرم رضوی می‌کند. از آن جمله، قفلی مکمل به جواهر است که بر ضریح مطهر نصب می‌گردد. آورده‌اند که او در هنگام مشاهدهٔ سنگ یشم گور تیمور که سپاهیان از بخارا به مشهد آورده بودند، می‌گوید: «... او سنگ قبر خود را از یشم نموده، ما ضریحی از زر سرخ مرصع می‌سازیم...» (مروی، ۱۳۶۴: ۸۲۶).

۱. جوف: دررن هر چیزی رک: لغت نامهٔ دهخدا، ذیل واژه جوف.

در همین تاریخ (۱۱۵۳ ق) شخصی به‌نام عبدالکریم از اهالی هند، همراه نادر به مشهد می‌آید. وی در کتابش که به شرح احوال نادر پرداخته، توضیحاتی دربارهٔ ضریح‌های رضوی ارائه و از وجود سه ضریح بر مرقد امام رضا (علیه السلام) خبر می‌دهد؛ ضریحی از فولاد جوهری، ضریحی از طلای بی‌غش و ضریحی از چوب صندل (کشمیری، ۱۹۸۰م: ۹۸). هیچ‌کدام از این توصیف‌ها با ویژگی‌های ضریح نگین‌نشان همخوانی ندارد و می‌تواند حاکی از عدم نصب ضریح مرصع در این زمان باشد. نادر در ۱۶۰ ق به‌دست سردارانش در فتح‌آباد در نزدیکی قوچان به قتل می‌رسد (استرآبادی، ۱۳۶۰: ۴۲۵) و منابع، خبری از نصب ضریحی توسط وی بر مرقد امام رضا (علیه السلام) به دست نمی‌دهند.

با این‌حال، سال‌ها بعد و پیش از شکل‌گیری سلسله قاجار (سال ۱۷۸۳م/ ۱۲۰۴ ق) یک سیاح انگلیسی به‌نام فورشایر که به مشهد آمده، اشاره می‌کند که نادر ضریحی از نقره به دور مرقد امام رضا (علیه السلام) نصب کرده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲، ج ۲: ۳۰۱). به‌جز این، جهانگرد دیگری به‌نام «فریزر» نیز از ضریحی که از فولاد مثبت‌شده و ضخیم‌کرده پدید آمده خبر می‌دهد؛ ضریحی که در آن کتیبه‌ای از طلا وجود داشته است (همان: ۳۰۸).

- شاهرخ افشار: شاهرخ، فرزند رضاقلی میرزا و نوهٔ نادرشاه بود که در سال ۱۶۰ ق، در حالی که ۱۴ سال بیشتر نداشت و در زندان علی‌قلی (ملقب به عادل‌شاه) به‌سر می‌برد؛ جانشین نادر شد (قزوینی، ۱۳۶۷: ۱۵۵؛ گلستانه، ۱۳۲۸: ۴-۲۳). در پی خروج عادل‌شاه از مشهد، امرای خراسان شاهرخ را از حبس خارج کرده و در ۸ شوال ۱۱۶۱ ق بر تخت می‌نشانند (استرآبادی، ۱۳۶۰: ۴۳۱؛ حسینی منشی، ۱۹۷۴م: ۱۶۱). اندکی بعد، وی با شورش امرای محلی به سرکردگی امیرعلم‌خان خُزیمه، مواجه و در محرم سال ۱۱۶۳ ق از سلطنت عزل و نابینا می‌شود (قزوینی، ۱۳۶۷: ۱۵۵). دورهٔ دوم حکومت شاهرخ در پی شورش امرای هوادار او و غلبه آنان بر سیدمیرزا محمد، از ربیع‌الثانی ۱۱۶۳ ق آغاز و تا ۱۲۱۰ ق ادامه می‌یابد (شیروانی، ۱۳۳۹: ۲۸۱؛ ساوری، ۱۳۷۷: ۲۸۸).

- **سیدمیرزا محمد (شاهسلیمان ثانی):** نسب وی از طرف پدر به سادات مرعشی می‌رسد و مادرش شهربانو بیگم نیز، دختر شاه‌سلیمان و خواهر شاه سلطان حسین صفوی بود. سیدمحمد کوچک‌ترین فرزند میرزا داود حسینی، متولی حرم رضوی، بود که در اواخر دوره نادرشاه از اصفهان به مشهد آمد و کمی بعد به تولیت آستان قدس رضوی رسید. شاهرخ به طمع اموالی که در دست سیدمیرزا محمد بود، او را که به قم رفته بود، به مشهد فرا می‌خواند. پس از ورود، اموالش را ضبط و قصد جاننش را می‌کند که با شورش امرای محلی از کار برکنار می‌شود (مرعشی صفوی، ۱۳۲۸: ۹۰-۹۷؛ گلستانه، ۱۳۲۸: ۳۸ و ۴۰-۴۵). سیدمیرزا محمد با عنوان «شاهسلیمان ثانی» در محرم ۱۱۶۳ق بر تخت می‌نشیند (مرعشی صفوی، ۱۳۲۸: ۱۱۴) ولی حکومتش بیش از ۴۰ روز دوام نمی‌آورد و با حمله امرای هوادار شاهرخ به چهارباغ، کور و زبانش بریده شده و از آن پس منزوی می‌گردد (گلستانه، ۱۳۲۸: ۵۸).

جمع‌بندی اطلاعات این منابع به انضمام مطالب سند سال ۳۵۷۷۸ و نیز متن کتیبه ضریح، ما را با چند فرضیه روبه‌رو می‌کند که در این‌جا، ابتدا فرضیه‌ها و سپس بررسی و تحلیل آن‌ها ارائه می‌شود:

- **فرضیه اول:** ضریح در سال ۱۱۶۰ق و توسط شاهرخ ساخته، وقف و نصب شده است.

- **فرضیه دوم:** ضریح، آن‌گونه که محمدهاشم مرعشی، صاحب کتاب «زبور آل داود» و میرزا خلیل مرعشی صفوی، نویسنده کتاب «مجمع التواریخ» آورده‌اند، در سال ۱۱۶۳ق و توسط سیدمیرزا محمد، وقف و نصب شده است.

- **فرضیه سوم:** ضریح نگین توسط نادر ساخته شده و در سال ۱۱۶۰ق با دستور وی بر مرقد امام رضا (علیه السلام)، وقف و نصب گردیده است.

- **فرضیه چهارم:** ضریح نگین‌نشان متعلق به نادرشاه بوده و به دستور وی ساخته شده اما در زمان حیاتش بر مرقد امام رضا (علیه السلام) نصب نشده و پس از مرگ وی و

در زمان حکومت نوه‌اش، شاهرخ بر مرقد امام رضا (علیه السلام) وقف و نصب شده است. تحقیق فرض اول به دلیل اینکه شاهرخ در این تاریخ در حبس عادل شاه بوده، امکان پذیر نیست زیرا وی یک سال بعد از حبس، خارج و در ۸ شوال ۱۱۶۱ق بر تخت می‌نشیند. بنابراین، امکان اینکه وی در این تاریخ ضریح را ساخته و نصب کرده باشد، بعید است. افزون بر این، او در این زمان درگیر مسائل سیاسی و نظامی است. بنابراین، دور از ذهن است که در این زمان امکان پرداختن به چنین موضوعی را داشته است.

در فرضیه دوم باید توجه داشت که در روایت‌های محمدهاشم مرعشی و میرزا خلیل مرعشی، به این نکته اذعان شده است که ضریح مکلل به جواهر را نادر، جهت مقبره خود ترتیب داده بود اما سیدمیرزا محمد در سال ۱۱۶۰ق (دوره حکومت علی‌شاه) پیشنهاد می‌دهد آن را بر مرقد امام رضا (علیه السلام) وقف کنند. بنابراین ایشان ادعای ساخت و تعلق ضریح نگین‌نشان را به شخص سیدمیرزا محمد ندارند. همچنین ایشان نوشته‌اند که این ضریح در سال ۱۱۶۳ق در زمان جلوس سیدمیرزا محمد بر مرقد امام نصب می‌شود و قایل به فاصله‌ای ۳ ساله بین وقف و نصب ضریح هستند. نکته جالب و سؤال برانگیز این است که چگونه فردی که سازنده و پدیدآورنده ضریح نبوده و به لحاظ نسبی نیز قرابتی با نادر نداشته است، می‌توانسته در وقف آن دخیل و اثرگذار باشد. در این میان، یک موضوع دیگر نیز مطرح است و آن ارتباط و قرابت خانوادگی این دو با سیدمیرزا محمد است. محمدهاشم مرعشی، پسر و میرزا خلیل مرعشی، نواده شاه سلیمان ثانی هستند، بنابراین، این امکان وجود دارد که خواسته‌اند هم وقف و هم افتخار نصب ضریح را به نام پدر و پدربزرگ خود ثبت کنند.

جدا از این‌ها، پرسش‌ها و ابهام‌هایی نیز در بیان ماجرای نصب ضریح طبق روایت‌های محمدهاشم و میرزا خلیل مرعشی مشاهده می‌شود که باید به آن‌ها هم توجه کرد. موضوع اول چگونگی و نحوه نصب ضریح نگین‌نشان است. متن

دو اثر پیش‌گفته بر این موضوع تأکید دارد که در روز جلوس سیدمیرزا محمد بر تخت، او به حرم رفته و ضریحی را بر مضع امام نصب کرده است؛^۱ آن هم ضریحی که ابعاد و اندازه‌هایش مناسب نبوده و در همان روز و در محل، کوچک شده و نصب می‌گردد. در بیان واقعه، نوعی ابهام و شتاب‌زدگی مشاهده می‌شود و به‌نظر می‌رسد ایشان در تلاش بوده‌اند به‌هر صورت شده، این عمل افتخارآمیز را در کارنامه فردی از خاندان خود بگنجانند که بیش از ۴۰ روز حکومت نکرده است.

در عین حال، این فرضیه با وجود تأکید دو منبع تاریخی، به چند دلیل دیگر نیز محل ابهام و تردید است. نخستین مورد، مطالب مندرج در سند شماره ۳۵۷۷۸ است. این سند نشان می‌دهد در سال ۱۱۶۲ق، ضریح جدیدی بر مرقد امام نصب بوده و در این تاریخ برای آن چهار قبه ساخته‌اند. مورد دوم، کتیبه ضریح است که با وجود ابهام‌هایی که در خصوص محتوایش وجود دارد، تاریخ ۱۱۶۰ق را نشان می‌دهد و از کسان دیگری با عنوان واقف و سازنده ضریح و قبه‌هایش یاد می‌کند.

از سوی دیگر، ضریح نگین‌نشان در داخل ضریح فولاد جوهری نصب بوده و به‌طور مستقیم در معرض مشاهده قرار نداشته است. بنابراین، این امکان وجود دارد که سال‌ها بعد که پسر و نوه سیدمیرزا محمد، دست‌به‌تألیف کتاب زده‌اند، بر این موضوع واقف نبودند که بر روی ضریح، کتیبه‌ای متعلق به سال ۱۱۶۰ق نصب است که می‌تواند گواهی بر رد ادعای ایشان باشد. ضمن اینکه سندی نیز در مجموعه اسناد آستان قدس رضوی وجود دارد که بر ساخت چهار قبه برای گوشه‌های ضریح در سال ۱۱۶۲ق تأکید دارد و این به معنای آن است که یک سال پیش‌تر از زمان مورد ادعای ایشان، ضریح جدید بر مرقد امام نصب بوده است.

آخرین نکته در این میان آن است که در قدیم معمول بوده هرگاه افراد در نصب، تعمیر یا تکمیل یک اثر مباشرت داشتند، برای اقدام‌شان کتیبه‌ای ساخته و نصب می‌کردند. حال این پرسش مطرح است که چرا در آن روز (۵ صفر ۱۱۶۳ق) و در

۱. طبق ادعای این دو، ابعاد ضریح مناسب مضع امام نبود؛ چون متعلق به مقبره نادرشاه بوده است.

آن اقدام مهم تاریخی که با تشریفات خاصی نیز همراه بوده، هیچ کتیبه‌ای که گویای این واقعه باشد، بر ضریح نصب نشده است. کتیبه‌ای که بیانگر دخالت و تأثیرگذاری سیدمیرزا محمد در وقف و نصب ضریح بوده و البته تاریخ آن با دوره کوتاه حکومت وی، مطابقت داشته باشد.

فرضیه سوم نیز نمی‌تواند صحیح باشد. اینکه نادر دستور داده است برایش ضریح مجللی بسازند، در کتاب‌هایی چون «عالم‌آرای نادری»، «زبور آل داود» و «مجمع‌التواریخ» تأیید شده است. در کتاب «عالم‌آرای نادری» آمده که نادر گفته است ما برای سنگ قبر خود ضریحی از زر سرخ می‌سازیم؛ اما از اینکه دستور داده باشد ضریح مکمل به جواهر را نه بر مزار خودش که بر مدفن مطهر امام رضا (علیه السلام) نصب کنند، خبری در اختیار نیست. جدا از این مطلب، کتیبه منصوب بر ضریح با اسم نادر و تاریخ ۱۱۶۰ق نیز نمی‌تواند چندان ملاک قبول این فرضیه باشد زیرا چنانچه بخواهیم نادر را تنها عامل مؤثر در وقف و نصب ضریح بدانیم، تکلیف‌مان با اسم شاهرخ در کنار نام وی روشن نیست و این پرسش مطرح می‌شود که چرا باید نادر به‌عنوان واقف این سازه در کتیبه ضریح از نوۀ نوجوانش یاد کند در حالی که وی نقشی در این ماجرا نداشته است. افزون بر همه این‌ها، اگر نادر از ابتدا نیتش بر وقف و نصب این ضریح بر مرقد امام رضا (علیه السلام) بود، آن را به‌گونه‌ای می‌ساخت که ابعادش مناسب این مکان باشد. پس اگر برخی منابع تأکید دارند که ضریح در زمان نصب قدری کوچک شده است، نشان می‌دهد از ابتدا برای مدفن امام ساخته نشده است.

فرضیه چهارم به‌دلایلی منطقی‌تر از دیگر فرضیه‌هاست و احتمال صحیح بودن آن بیشتر است.

روایت «عالم‌آرای نادری» و دیگر منابع، حاکی از علاقه نادر به ساخت ضریحی مرصع یا تعلق ضریح مرصع به وی است. اموال و جواهراتی که وی از لشکرکشی‌هایش به هند به‌دست آورده بود نیز امکان ساخت چنین ضریحی را توسط وی قوت

می‌بخشد. البته، اوضاع کشور پس از مرگ نادر آشفته است و حکومت پی‌درپی دست‌به‌دست می‌شود. این موضوع می‌تواند عاملی مهم در برداشتن ضریح مرصع از روی مدفن نادرشاه باشد به‌خصوص که این ضریح از نظر ریالی قیمتی و باارزش بوده است. بنابراین، ممکن است شاهرخ به‌عنوان نوه و جانشین وی در دوره اول حکومتش (۱۱۶۱ تا ۱۱۶۳ق) دستور داده باشد ضریح را از روی مقبره نادر برداشته و بر مدفن امام رضا (علیه السلام) نصب کنند تا به‌دلیل تقدس و مورد احترام بودن بارگاه رضوی از آسیب و غارت مصون بماند؛ به‌خصوص که ضریح مذکور در داخل ضریح بزرگ‌تر (ضریح فولاد جوهری) دیگری قرار می‌گرفته و سلامت و امنیت آن تأمین می‌شده است. اگر چنین احتمالی در میان باشد، باید جوانب امر با مطالب مندرج در سند ۳۵۷۷۸ و متن کتیبه ضریح، تطبیق داده شده و بررسی گردد.

در سند ۳۵۷۷۸ بر ساخت و اتمام قبه‌های ضریح در سال ۱۱۶۲ق تأکید شده است که این موضوع با فرضیه چهارم و تحلیل‌های آن منافاتی ندارد. اما در کتیبه پرابهام ضریح، مطالبی است که با این فرضیه تاحدودی در تضاد است. آوردن نام نادر در کنار نام شاهرخ و درج تاریخ ۱۱۶۰ق برای وقف و نصب ضریح و قبه‌هایش، نکاتی مهم در این ناهمخوانی و عدم تطابق است. به‌نظر می‌رسد شاهرخ در همان سال اول حکومتش، برای حفظ ضریح، آن را به حرم امام رضا (علیه السلام) انتقال و یک سال بعد نیز دستور داده است برای آن چهار قبه بسازند. اما در نگارش این کتیبه شاید می‌خواستند ادای دینی به پدر بزرگش نادر (به‌عنوان سازنده ضریح) کرده باشد. بنابراین، نام او را در کنار نام خودش آورده و تاریخ کتیبه را نیز ۱۱۶۰ق، درج کرده که با تاریخ وفات نادرشاه همخوانی داشته باشد و بدین‌وسیله، برای نادر وجهه مثبتی ایجاد شود که چنین ضریح ارزشمندی را به پیشوای هشتم شیعیان، تقدیم کرده است.

۵. جابجایی های ضریح نگین نشان در طول زمان

سال ۱۳۱۱ش و در جریان تعویض صندوق مضجع، مشاهده می‌شود که پایه‌های ضریح مرصع دچار پوسیدگی شده است. از سوی دیگر، برای انتقال صندوق سنگی جدید^۱ به داخل، لازم بود که این ضریح به‌همراه ضریح فولادی از جا برداشته و بلند شود. اما وجود کتیبه وقف، مانع برداشتن آن بود. از این‌رو، دستور داده می‌شود ضریح مرصع با وسایل فنی‌ای که تزلزلی در ارکان آن ایجاد نکند، قدری از زمین بلند شود تا هم پایه‌های پوسیده‌اش اصلاح و بازسازی و هم ورود صندوق سنگی به داخل ضریح امکان‌پذیر شود. در جریان این اقدام و برای آنکه پایه‌های دو ضریح منصوب (ضریح نگین نشان و ضریح فولادی) با سطح مرطوب زمین تماس نداشته باشد و از پوسیدگی و زنگ‌زدگی مصون بماند، دور و زیر ضریح‌ها با سنگ‌های مرمر و سنگ‌های تراشیده به ارتفاع پنج گره پوشانده شده و سپس ضریح‌ها در روی آن قرار داده می‌شود (مؤتمن، ۱۳۵۵: ۶۲).

در سال ۱۳۳۸ش در هنگام نصب ضریح «شیر و شکر» به‌دلیل وجود کتیبه وقف، باز هم این ضریح از روی مدفن امام برداشته نمی‌شود. تنها تغییری که در آن ایجاد می‌شود این است که پایه‌های آن بر روی قطعاتی از چوب قرار داده می‌شود تا هم کتیبه وقف آن به‌علت بلندتر بودن ضریح «شیر و شکر» از شبکه‌های آن نمایان نباشد و هم در صورتی که عریضه یا نذوراتی بین دو ضریح قرار گرفت، با سهولت به‌روی زمین سرازیر شود و فرایند غبارروبی با مشکل کمتری روبه‌رو شود (مهران، ۱۳۳۹: ۳-۱۹). (تصویر ۷).

۱. این صندوق در سال ۱۳۱۱ش توسط حاج میرزا حسین حجار باشی ساخته شد. صندوق از سنگ مرمر و به رنگ سبز لیمویی بود و تا سال ۱۳۷۹ش بر مزار امام نصب بود تا این که در جریان تعویض ضریح شیر و شکر برچیده و به جای آن، سنگ مرمر سبز رنگی نصب گردید. ر.ک: مؤتمن، ۱۳۵۵: ۵۹؛ آرمین، ۱۳۸۰: ۴-۴۷.



تصویر ۷. بلند کردن ضریح نگین‌نشان در زمان نصب ضریح شیر و شکر در سال ۱۳۳۸ ش
(آرشیو مدیریت اسناد و مطبوعات، شماره ۲۹۷۳۸)

۶. نحوه انتقال ضریح نگین‌نشان به قسمت تحتانی حرم مطهر رضوی

محدوریت وقف به نصب‌بودن این ضریح و عدم صدور جواز شرعی انتقال آن، موانع و مشکلات جدی فنی و معماری بسیاری در راه مستحکم‌سازی و نصب ضریح سیمین و زرین (آخرین ضریح نصب‌شده در مرقد امام) در سال ۱۳۷۹ به وجود آورده بود (معراج نور، ۱۳۸۰: ۱۰-۱۱). مهندس رضا دیشیدی در این باره می‌گوید: «پس از بررسی‌های بسیار، طرحی برای انتقال ضریح به پایین حرم مطهر تهیه و برای تولیت آستان قدس ارسال شد، اما مورد موافقت قرار نگرفت. مدتی بعد از من خواسته شد نقشه را برای ایشان ببرم. ظاهراً موضوع با رهبر انقلاب در میان گذاشته شده بود و ایشان گفته بودند اگر این اقدام قابل اجراست، انجام شود.»

دیشیدی در مورد سرداب مطهر می‌گوید: «تا قبل از سال ۱۳۷۹ سردابی به‌معنای واقعی وجود نداشت. در این سال و هم‌زمان با نصب ضریح سیمین و زرین و پس از

بررسی و دقت بسیار، تصمیم گرفته شد ضریح نگین نشان دوره افشاریه از جایش که درون ضریح «شیر و شکر» بود برداشته و به بخش زیرین حرم مطهر منتقل شود. با دستور تولیت وقت آستان قدس رضوی (آیت الله طیبی) مسئولیت انجام پروژه به من واگذار شد. در ابتدای کار و برای پیدا کردن مکان اصلی دفن امام و تعبیه مکانی در زیر ضریح و محاذی آن، چهار عدد میل گرد به طول یک متر و نیم و قطر ۲۵ سانتی متر، مانند میخ در چهار گوشه ضریح «شیر و شکر» کوبیده شد. سپس با استفاده از نقشه‌هایی که از قبل تهیه شده بود، حفاری در بخش زیرین حرم مطهر آغاز شد» (مصاحبه با رضا دیشیدی، ۱۳۹۲).

پیش از شروع خاکبرداری، برای جلوگیری از ریزش، یک قاب بتونی ایجاد گردید تا خاک مهار شود (جباری، ۱۳۸۸: ۵۵). آن گاه از زاویه‌ای که نزدیک‌ترین محل به مکان مورد نظر بود، شروع به حفرتونل شد. در برخورد با اولین میل گرد، متوجه شدیم که باید دور بزنیم، تونل را ادامه دادیم تا به میل گرد دوم رسیدیم و بعد در ادامه کار، تونل‌ها را به هم وصل کردیم. به این ترتیب، در محل مذکور مرقد امام رضا (علیه السلام) پدیدار شد و کم‌کم سرداب شکل گرفت (مصاحبه با رضا دیشیدی، ۱۳۹۲).

در ادامه و برای انتقال ضریح نگین نشان به کنار سرداب مطهر به‌عنوان بهترین و مناسب‌ترین راهکار، تصمیم گرفته شد از محل زیر رواق دارالولایه، محاذی اطراف مضجع مطهر به شعاع دو متر از هر طرف و تا عمق دو متر و ۹۰ سانتی متر از کف حرم تخلیه و خاکبرداری و دیواره‌های چهار طرف با سنگ پوشش داده شود. این اقدام صورت می‌گیرد و ضریح نگین نشان به پایین حرم مطهر و محل سرداب مطهر انتقال داده می‌شود (معراج نور، ۱۳۸۰: ۱۰-۱۱). به این ترتیب، ضریح مرضع که از حدود سال ۱۱۶۱ق تا سال ۱۳۷۹ش (برابر با ۱۴۲۲ق) در روضه منوره قرار داشت، به قسمت تحتانی حرم منتقل می‌شود. (تصاویر ۸، ۹ و ۱۰)



تصویر ۸. بلند کردن ضریح نگین نشان جهت انتقال به بخش تحتانی حرم در سال ۱۳۷۹ ش
(آرشیو مدیریت اسناد و مطبوعات، تصویر شماره ۱۱۰۱۶)



تصویر ۹. انتقال ضریح مرصع به بخش تحتانی حرم در سال ۱۳۷۹ ش
(آرشیو مدیریت اسناد و مطبوعات، تصویر شماره ۱۱۰۱۸)



تصویر ۱۰. نمایی از ضریح نگین نشان در محل سرداب مطهر
(www.khabarfarsi.com)

نتیجه‌گیری

در میان شش ضریحی که تاکنون بر مدفن مطهر امام رضا (علیه السلام) قرار گرفته، ضریح مرصع تنها ضریحی است که با کتیبه وقف بر مدفن ایشان استوار گردیده است. این ضریح به‌جز سه مرتبه‌ای که به‌علت نصب صندوق سنگی (سال ۱۳۱۱ ش)، نصب ضریح «شیر و شکر» (سال ۱۳۳۸ ش) و نصب ضریح سیمین و زرین (سال ۱۳۷۹ ش) قابل مشاهده گردیده است، در سایر اوقات در درون و احاطه ضریح‌های دیگر قرار داشته و زائران در هنگام زیارت، امکان رؤیت و استلام آن را نداشته‌اند.

شواهد نشان می‌دهد ضریح نگین نشان از ابتدا برای نصب در مرقد امام رضا (علیه السلام) ساخته نشده و در اصل متعلق به مقبره نادرشاه بوده است. چه در گذشته و چه

در زمان حال، ساخت ضریحی که در آن جواهرات و سنگ‌های قیمتی به کار رفته باشد، غیرمعمول و نامتعارف بوده و هست زیرا ضریح‌ها محل اجتماع و ازدحام زوآرند و استفاده از جواهرات در آن‌ها می‌تواند افراد متخلف و بزهکار را به طمع سرقت و دست‌اندازی بیندازد. بر این اساس، عموماً در ساخت ضریح‌ها از سنگ‌های قیمتی استفاده نمی‌شود. اما اینکه در میان شش ضریح منصوب بر مرقد مطهر امام رضا (علیه السلام) یک ضریح به این گونه ساخته شده، بیشتر متقاعد می‌شویم که ضریح نگین‌نشان برای مکانی غیر از مضجع شریف رضوی ساخته شده است و نادر با سفارش ساخت آن پیش از مرگش، قصد داشته شکوه و عظمتش را به رخ مردم جهان بکشد. در مورد زمان و سال دقیق ساخت ضریح نگین‌نشان، نمی‌توان اظهار نظر قطعی کرد اما مدارک و مستندات به دست آمده نشان می‌دهد این سازه باید در حد فاصل سال‌های ۱۱۵۳ تا ۱۱۶۰ ق یعنی در بازه زمانی ارائه گزارش عبدالکریم کشمیری (سال ۱۱۵۳ ق) تا زمان فوت نادرشاه (سال ۱۱۶۰ ق) ساخته شده باشد.

با آنکه تناقض‌های موجود در متن کتیبه منصوب بر ضریح اختلاف‌های متن کتیبه با اطلاعات منابع آرشیوی و تضاد این دو، با نقل قول‌ها و روایت‌های منابع تاریخی، پیچیدگی‌های بسیاری را در مسیر شناخت واقف و تاریخ وقف این ضریح به وجود آورده است، در نهایت این فرض صائب‌تر به نظر می‌رسد که شاهرخ افشار، بانی وقف و نصب این ضریح بر مدفن امام رضا (علیه السلام) بوده است و پس از رسیدن به قدرت در دور اول حکومتش (۱۱۶۱ تا ۱۱۶۳ ق) اقدام به انتقال، وقف و نصب آن بر مضجع مطهر رضوی کرده است تا هم امنیت و سلامت آن (به دلیل داشتن سنگ‌های قیمتی) تأمین گردد و هم آبرو و وجه‌ای برای خودش و نادرشاه کسب کند که هدیه‌ای چنین ارزشمند را به مرقد پیشوای هشتم شیعیان، تقدیم کرده‌اند.

این ضریح به دلیل داشتن کتیبه وقف از زمان نصب تا سال ۱۳۷۹ ش، به مدت حداکثر ۲۶۷ یا حداقل ۲۶۱ سال در کنار مضجع شریف امام رضا (علیه السلام) قرار داشته است. در سال ۱۳۷۹ به دلیل مشکلات فنی که در نصب آخرین ضریح رضوی به وجود می‌آید و وجود این ضریح عاملی مهم در عدم نصب مناسب و مستحکم‌سازی ضریح

جدید (ضریح سیمین و زرین) است، به‌طور کامل از جایش برداشته و به قسمت تحتانی حرم و محل سرداب مطهر امام رضا (علیه السلام) منتقل می‌شود.

در ساخت این ضریح هنرهای مختلفی چون زرگری، ترصیع کاری، خطاطی و قلم‌زنی به‌کار رفته است؛ اما وجه بارز و شاخص آن، کاربرد هنر ترصیع در آن است که سبب شده این اثر به نمونه‌ای منحصر به فرد و مثال‌زدنی در میان انواع ضریح تبدیل شود. جنس این ضریح از فولاد و دارای شبکه‌های مرصعی است که در آن‌ها ۳۲۶۰ قبه (گوی ضریح) وجود دارد و بر هریک از این قبه‌ها نگین‌هایی از یاقوت و زمرد نصب است. به‌جز این، در چهار گوشه این ضریح قبه‌هایی وجود داشته که در سال ۱۶۲۱ق بر آن نصب شده است و هم‌اکنون اطلاعاتی از آن‌ها در اختیار نیست. نکته قابل توجه دیگر آن است که کتیبه منصوب بر ضریح به‌صراحت بر مرصع بودن این قبه‌ها تأکید دارد، اما اسناد با وجود آنکه اطلاعات دقیقی از اجزا و بخش‌های مختلف این چهار قبه، وزن، جنس و ویژگی آن‌ها ارائه می‌دهند از مرصع بودن آن‌ها گزارشی به‌دست نمی‌دهند.

منابع و مآخذ

- آرمین، منیژه. (۱۳۸۰). «همراه با هنرمندان در آخرین روزهای نصب ضریح مطهر رضوی». پیام زن. سال دهم. ش ۳. صص: ۴-۴۷.
- احتشام کاویانین، محمد. (۱۳۵۵). شمس‌الشموس یا تاریخ آستان قدس. مشهد: بی‌نا.
- استرآبادی، میرزا مهدی خان. (۱۳۶۰). جهانگشای نادری. به کوشش عبدالله نوری. تهران: انجمن ملی آثار.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. (۱۳۶۲). مطالع‌الشمس تاریخ ارض اقدس مشهد مقدس. تهران: فرهنگ سرا.
- بهبهانی، احمد. (۱۳۷۰). مرآت‌الاحوال جهان‌نما. مصحح: علی دوانی. تهران: امیرکبیر.
- جباری، مهدیه. (۱۳۸۸). «روایتی خواندنی از راز مگویی حرم مقدس رضوی و سرداب مطهر». کیمیا (ویژه‌نامه میلاد ثامن الائمه). ص ۵۵.
- جلالی، میثم. (۱۳۸۹). «ضریح شاه تهماسب یادگاری از دودمان صفوی در موزه آستان قدس رضوی». مشکوه. ش ۱۰۸. صص: ۱۱۲-۱۲۴.
- حسینی منشی، محمود. (۱۹۷۴م). تاریخ احمدشاهی. مسکو: دانش.
- ملاهاشم خراسانی، محمدهاشم‌بن محمدعلی. (۱۳۸۲ق). منتخب‌التواریخ. تهران: کتابفروشی علمیه اسلامیة.
- دانش، مهدی. (۱۳۶۸). «بررسی سیر تحول هنر ضریح‌سازی در ایران از صفویه تا کنون». پایان‌نامه کارشناسی. گروه هنر دانشگاه هنر اصفهان.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه. تهران: انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، مدیریت امور اسناد و مطبوعات، اسناد مکتوب، شماره ۳۳۲۸۷ / صص ۲، ۲۷ و ۲۸؛ شماره ۳۳۳۵۹ / صص ۴، ۵ و ۸؛ شماره ۳۴۳۴۷ / ص ۹؛ شماره ۳۵۷۷۸ / ص ۱؛ شماره ۱۰۵۰۰ / ص ۱.
- سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، مدیریت امور اسناد و مطبوعات، اسناد تصویری، شماره ۲۹۷۳۸، شماره ۱۱۰۱۶، شماره ۱۱۰۱۸.
- ساوری، محمد فتح‌الله بن محمدتقی. (۱۳۷۷). تاریخ محمدی (احسن‌التواریخ). تصحیح جمشید کیان‌فر. تهران: اساطیر.
- شیروانی، زین العابدین بن اسکندر. (۱۳۳۹). ریاض‌السیاحه. تصحیح اصغر حامد ربانی. تهران: کتابفروشی سعدی.
- فیض قمی، شیخ عباس. (۱۳۲۴). بدر فروزان. قم: بی‌نا.
- قزوینی، ابوالحسن. (۱۳۶۷). فواید‌الصفویه. تصحیح مریم میراحمدی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- قصابیان، محمدرضا. (۱۳۸۰). «ضریح امام رضا (علیه‌السلام) و پیشینه آن». مشکوه. ش ۷۲ و ۷۳. صص: ۱۰۳-۱۳۵.
- کشمیری، عبدالکریم بن خواجه عاقبت محمود. (۱۹۸۰م). بیان واقع (سرگذشت احوال نادر شاه). تصحیح و تحقیق داکرکی بی نسیم. لاهور: اداره تحقیقات پاکستان و پنجاب.
- گلستانه، ابوالحسن بن محمد امین. (۱۳۲۸). مجمل‌التواریخ. تصحیح عباس اقبال. تهران: شرکت سهامی چاپ.
- مرعشی، محمدهاشم‌بن محمد. (۱۳۷۹). زیور آل داود (شرح ارتباط سادات مرعشی با سلاطین صفوی). تصحیح عبدالحسین نوائی. تهران: میراث مکتوب.
- مرعشی صفوی، میرزا محمد خلیل. (۱۳۲۸). مجمع‌التواریخ. به اهتمام عباس اقبال. تهران: بی‌نا.

- مروی، محمدکاظم. (۱۳۶۴). *عالم آرای نادری*. تصحیح محمد امین ریاحی. تهران: زوار.
- مصاحبه نگارنده با رضا دیشیدی. ۱۳۹۲/۱۰/۲۱. مشهد.
- «معراج نور». (۱۳۸۰). زائر. ش ۷۷ و ۷۸. صص: ۱۰-۱۱.
- مؤتمن، علی. (۱۳۵۵). *تاریخ آستان قدس*. مشهد: بی نا.
- موسسه آفرینش های هنری آستان قدس رضوی، اسناد تصویری.
- مهران، محمد. (۱۳۳۹). «ضریح جدید». *نامه آستان قدس*. ش ۱. صص: ۳-۱۹.
- نقدی، رضا. (۱۳۹۲). «بررسی صندوق‌ها و ضریح‌های قدیمی رضوی». *آستان هنر*. ش ۷. صص: ۹-۱۶.
- نوایی، عبدالحسین. (۱۳۴۷). *شاه اسماعیل صفوی (اسناد و مکاتبات تاریخی همراه با یادداشت های تفصیلی)*. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.